



خوانش کتاب «تاریخ شفاهی
کمیتة استقبال از امام
خمینی(ره)»
بزرگ‌گ‌ت‌ریخ
استقبال تاریخی



نگاهی به جایگاه اجتماعی
و منزلت زن قبل و بعد از
انقلاب اسلامی
پای ثابت
انقلاب



شماره ۵۶۰
۴ صفحه

ضمنیه نوجوان روزنامه
پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۶
۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۹
۸ فوریه ۲۰۱۸

ما خودمان حرف می‌زنیم و
خودمان عمل می‌کنیم. این
حرف در دنیا بهای سنگینی
دارد و اگر کسی می‌خواهد این
حرف خرافتمندان را بزند طبیعی
است که سختی‌های را هم به
همراه دارد

#چرا_انقلابی_عمل_نکردید...؟! نسل چهارم و نقد انقلابی‌نماها

انقلابی‌نماها را نقد کنید

از آقای محمدخانی می‌پرسیم یعنی حالا که عده‌ای در بیرون نگاهشان به ماست، ما نباید در مورد شرایط کشور نظر بدهیم و اوضاع را نقد کنیم؟ ایشان در جواب می‌گویند: «بله، اما به انقلاب که می‌توانیم نقد وارد کنیم، اما به نظرم بیش از این که بخواهیم به انقلاب نقد وارد کنیم باید به مدعیان انقلاب نقد وارد کنیم. مثالی می‌زنم؛ انقلاب در دهه‌های مختلف از سویی گرفتار انقلابی‌نماها و از سوی دیگر انقلابی‌های پشیمان بوده است. گاهی هم هر دوی این‌ها یک نفر بودند. یک زمانی بیش از اندازه دم از انقلاب می‌زدند و دوره‌ای پشیمان شدند. به نظر می‌رسد اصل استقلال قابل نقد نیست. ارزش‌ها و اصول را کسی که مسلمان باشد نمی‌تواند نقد کند. شاید هنر اصلی حضرت امام(ره) و یاران ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی همین باشد که اصولی را مبنا قرار دادند که غیرقابل خدشه است. من به عنوان برادر نسل چهارم به این نسل توصیه می‌کنم به جای نقد انقلاب؛ انقلابی‌ها، انقلابی‌نماها و انقلابی‌های پشیمان را نقد کنند. چرا با وجود آن مفاهیم عالی و اهداف بلند انقلاب اسلامی، ما هم‌چنان لنگ می‌زنیم و چطور عمل کردیم؟»



اگر ایستادگی نمی‌کردیم چه می‌شد؟

وقتی داستان تلخی‌های گذشته را می‌شنویم از آقای محمدخانی می‌پرسیم آیا انقلاب دیروز در برابر مشکلات امروز قابل توجیه و دفاع است؟ ایشان در جواب این‌طور توضیح می‌دهد که: «بگذارید برای روشن شدن این مسئله مثالی بزنم؛ یکی از مسئولان وزارت خارجه دولت قبل برای ما تعریف می‌کرد که جوانانی که هسته اصلی انقلاب مصر بودند در سفری به ایران آمدند؛ انقلابی که متأسفانه ناکام ماند. «ما از آن‌ها پرسیدیم چه شد که انقلاب کردید؟» گفتند ما خودمان هم تصور نمی‌کردیم که این اتفاق با استقبال مردم روبه‌رو شود، چون سال‌ها در تلویزیون دولت مصر و در تبلیغات رسمی «حسنى مبارک»، ایران را به عنوان کشوری که بی‌دلیل با کشورهای بزرگ دنیا سرشاخ شده و به‌زودی از بین خواهد رفت به ما معرفی می‌کردند. همزمان با این تبلیغات می‌دیدیم در ایران چه تعداد دانشجویان ارشد و تحصیلات تکمیلی دارند و در المپیادهای بین‌المللی مقام کسب می‌کنند. این که به فناوری سوخت هسته‌ای دست پیدا کرده و اولین ماهواره را به فضا فرستاده است و... ما دیدیم یک نماینده از ایران با ظاهر اسلامی می‌آید و با نماینده چند کشور درباره انرژی هسته‌ای صحبت می‌کند و آخرش هم می‌گویند به نتیجه نرسیدیم و زورمان به ایران نرسیده است. بعد به این نتیجه رسیدیم که وقتی ایرانیان مقابل قدرت‌ها ایستادند و هر روز هم پیشرفت می‌کنند چرا ما نتوانیم؟» ماجرا این است که در چهل سال گذشته کشورهایی مثل مصر برای این که مشکل پیدا نکند عکس ما عمل کرد و نه تنها با آمریکا که با رژیم صهیونیستی هم همکاری کرد. چهل سال می‌گذرد وضعیت ما و مصر الان مشخص است. حالا آن جوان مصری نگاهش به ایران است و می‌گوید: «نگیزه و امید در دلم برای انقلاب این بود که دیدم شما مقابل قدرت‌ها ایستادید و پیشرفت هم می‌کنید.»

نسل چهارم و نقد انقلابی‌نماها

#چرا_انقلابی_عمل_نکردید...؟! فاطمه نیک | اگر داستان رستم و سهراب را شنیده باشید، دست‌تان آمده که جناب فردوسی این داستان غمگین را نوشته تا بگوید تا دنیا باستان ممکن است به خاطر فاصله‌ها و تفاوت تجربه‌ها، پسرها را به‌خوبی نشناسند و اگر این ماجرا خیلی بینشان کش‌دار شود، ممکن است تلفات هم داشته باشیم؛ درست مثل ماجرای ما و پدران پدرانمان که سال و ماه، به همراه تجربه‌های متفاوت بینمان فاصله انداخته است و بهترین راه‌حل ماجرا این است که مثل سهراب راه بگیریم و ازشان بدون رودریاستی سؤال کنیم. سؤال‌هایی که شاید در ظاهر سخت و درشت به نظر برسند، اما به تفاهم دو طرف کمک خواهند کرد. برحسب قرار این مدت امروز هم پای صحبت‌های یک نسل سومی نشستیم که می‌خواهد برایمان از ما و پدرانمان بگوید. «عبدالمطهر محمدخانی» در نوبت قبل برایمان از میراث انقلاب و سهم و نقش ما گفت و در این نوبت قرار است به بقیه سؤال‌هایمان پاسخ بدهد. اگر دوست داری با ما همراه شو.

کدام نسل انقلاب شرایط بهتری داشته است؟

ما نسل سوم در سنین کودکی و نوجوانی سخت‌ترین شرایط اقتصادی را تحمل کردیم. این‌طور نبوده که سه نسل قبلی خیلی راحت بودند و الان به ما که رسیده، سخت شده است. به نظر من حتی نسل چهارم در شرایط به نسبت بهتری نسبت به نسل‌های قبل هستند و سختی‌هایشان قابل مقایسه با نسل‌های قبل نیست. ما خودمان حرف می‌زنیم و خودمان عمل می‌کنیم. این حرف در دنیا بهای سنگینی دارد و اگر کسی می‌خواهد این حرف شرافتمندان را بزند طبیعی است که سختی‌هایی را هم به همراه دارد. سؤال این است که آیا ما به خاطر تحریم مشکل اقتصادی داریم یا این که به خاطر ضعف مدیریت در این حوزه دچار مشکل شده‌ایم. الان کشور ما تصویر کلی‌اش مثل این نقاشی‌های کاریکاتور شده است؛ یعنی مثلاً سر بزرگی داریم و دست و پای کوچکی! این به خاطر این است که در قسمت‌هایی خوب عمل کرده‌ایم و حرکت انقلابی داشته و رشد کرده‌ایم و در قسمت‌هایی ضعیف عمل کردیم و دچار مشکل هستیم. متأسفانه حوزه مدیریت اقتصاد کشور یکی از قسمت‌هایی است که در آن خوب عمل نشده است. نسل چهارم به جای این که یقه نسل‌های قبل را بگیرد که چرا انقلاب کردید تا تحریم داشته باشیم؛ باید از نسل قبل بپرسد چرا انقلابی عمل نکردید که ما با وجود تحریم، اقتصاد درستی داشته باشیم؟ چرا بعد از چهل سال اقتصاد را این‌قدر قوی نکردید که کشوری آن سر دنیا برای ما تصمیم بگیرد و با یک امضای «ترامپ» دلار تغییر کند و وضع معیشت مردم ما را بد کند؟! این همان روحیه انقلابی است که باید نسل چهارم داشته باشد.»

باید از نسل قبل بپرسد چرا انقلابی عمل نکردید که ما با وجود تحریم، اقتصاد درستی داشته باشیم؟



بپرسید چرا درست عمل نکردید؟

اعضای یک خانواده مثل حلقه‌های یک زنجیر به هم متصل هستند و به همین خاطر وقتی یک حلقه تکان می‌خورد باعث می‌شود که سایر حلقه‌ها هم جابه‌جا شده و حرکت کنند. حالا حرف این است که شاید ما دلمان نخواهد به این جنبش تن بدهیم و شاکی شویم و بگوییم دلمان نمی‌خواهد به خاطر کاری که گذشتگانمان انجام داده‌اند، شرایط سختی مثل تحریم را تحمل کنیم؛ این نکته را با آقای محمدخانی در میان می‌گذاریم و ایشان در جواب می‌گویند: «وقتی چنین سؤالی می‌کنید ممکن است تصویری پیش بیاید که انگار نسل‌های قبلی انقلاب، خیلی راحت و بی‌دردسر تحولی را در کشور صورت دادند و بعد از چند دهه الان سختی و تحریمش به ما رسیده است. این انقلاب ساده و بدون مشکل به دست نیامده است که نسل‌های قبلی از سر بی‌خیالی سراغ تحول در جامعه رفته باشند. نسلی که انقلاب را رقم زده در سخت‌ترین شرایط بوده است. زندان و سخت‌ترین شکنجه‌ها و تحقیر و دوری از خانواده و کشته شدن خواهر و برادرش در خیابان را دیده و تلخ‌ترین خاطرات را دارد. به‌مراتب مشکلات سخت‌تری از تحریم داشته است و در همان زمان تحریم و مشکل اقتصادی یک شوخی خنده‌دار است، چون ابتدایی‌ترین شرایط انسانی را در ته سلول انفرادی نداشته است. این موضوع درباره نسل‌های بعدی هم وجود دارد.»

نگاهی به جایگاه اجتماعی و

پای شاب



خوانش کتاب «تاریخ ش

بزرگ استقبال

الهام صالح | امام خمینی (ره) بعد از
برای این ورود آماده می‌کردند. به هم
خمینی (ره) «راه‌اندازی شد. کتاب «تار
فعالیت

اعضای کمیته استقبال مسئولیت سن
حفاظت آغاز شد: «آقایان رفیق‌دوس
مکان‌ها منازل خانواده و اقوام خود آ
مشخص می‌کرد که محل زندگی خاص
قم بودند، به این منزل می‌آوردیم و
می‌شد: «تبلیغات»، «انتظامات»، «تد
«روابط عمومی و زیرمجموعه‌های آن»،
وظیفه بسیار سنگین حفاظت از جان
به امنیت آن دقت می‌کردند، فرود
آخرین بار بازیستی کنیم. در نظر گرفت
وظایفی بود که بر دوش ما سنگینی
کنترل کنیم به روی پشت‌بام مشرف

سختگیری در جذب نیرو، امکان
ورود عناصر نفوذی را بهتر
کاهش می‌داد. بدین منظور
مسئولان کمینۀ پوالت خاص
برای جذب نیرو به کار برنند؛
یعنی به این شکل که فقط
اضدادی را جذب می‌کردند که
از طرف اقلیت‌های نام‌آشنا و
اعضای فعال کمینۀ معروفی می‌شدند.

نعمه موح | چهل سال پیش در کشور ما اتفاقی افتاد که به گفته امام خمینی (ره) انفجار نور بود. انقلابی که مانند نوری کشور را دربر گرفت و حتی بر بسیاری از کشورهای دیگر که رژیم می‌مانند پهلوی بر آن‌ها حکومت می‌کرد، تأثیر مثبتی گذاشت. در طول این سال‌ها هر جا درباره انقلاب صحبت شده بیشتر صحبت‌ها رنگ و بوی سیاسی داشته است. درست است که نظام سیاسی در کشور ما عوض شد و نظام دیگری روی کار آمد. اما نظام جدید به اسم جمهوری اسلامی فقط با خودش تغییرات سیاسی نیاورد. همان‌طور که در قسمت‌های قبل گزارش‌های دستاوردهای انقلاب دیدیم، انقلاب کشور ما را از جهات گوناگون فرهنگی، اجتماعی و... هم دگرگون کرد. سطح سواد در دوران پس از انقلاب به‌شدت افزایش پیدا کرد و آمار باسوادی و هم‌چنین تحصیلات تکمیلی و عالی زیاد شد. روستاهای ایران هم از نظر کشاورزی و از نظر امکانات رفاهی و بهداشت و درمان صاحب وضعیت بسیار خوبی نسبت به دوران پهلوی شدند. در شهرها هم وضعیت بهداشت و درمان رشد کرد و پزشکان ایرانی به موفقیت‌های بزرگی در علم پزشکی دست به پیدا کردند. علوم نظامی، دریایی و فضایی پیشرفت کرد. ایران برای اولین بار صاحب تأسیساتی در این حوزه‌ها شد که فقط در اختیار کشورهای خاص بود. دنیا هم از این پیشرفت‌های ایران هم تعجب کرد و هم آن را تحسین کرد. البته دشمنان کشورمان از این پیشرفت‌ها ناراحت و نگران شدند. قسمت قبل گزارش‌ها را هم به وضعیت هنر سینما اختصاص دادیم. برایتان از وضعیت سینما در دوران پهلوی و نگاه عده‌ای به سینما در دوران بعد از انقلاب گفتیم، اما دیدیم که امام خمینی (ره) برخلاف این نظر‌ها سینما را پابرجا نگه داشتند و فقط خواستند که به آن محتوای جدید و متناسب با کشوری اسلامی داده شود. سینمای ایران بعد از انقلاب هم حسابی پیشرفت کرد و حالا به‌جز جشنواره بزرگ فیلم فجر که داخل کشورمان برگزار می‌شود، حرف‌هایی هم در جشنواره‌های خارجی و میان مدعیان سینمایی معروف دنیا دارد.



زن در جامعه ایرانی

یکی دیگر از چالش‌های انقلاب در سال ۱۲۵۷، وضعیت زنان بود. کار، تحصیل و نقش‌هایی مثل مادری و اداره خانواده برای زنان از نکات مبهمی بود که خیلی‌ها نمی‌دانستند بعد از انقلاب برای آن چه اتفاقاتی می‌افتد. مثل وضعیت سینما، اما عده که از دین اسلام شناخت درستی نداشتند می‌گفتند اگر حکومتی دینی روی کار بیاید، امکان فعالیت اجتماعی و تحصیل را از زنان می‌گیرد و آن‌ها فقط باید خانه‌داری کنند! اما دیدیم که در عمل این اتفاق نیفتاد.

در اندیشه امام خمینی (ره) فعالیت اجتماعی زن با جملاتی مثل «ما مخترعیم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و هم‌دوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند» (صحیفه امام جلد ۲۱- صفحه ۳۹۷) و «همان‌طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند، زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند» (صحیفه امام- جلد ۱۸- ص ۴۰۳) تعریف شده است..



زنانی بدون حق رأی

تا سال ۱۳۴۱ و در زمان حکومت محمدرضا پهلوی زنان حق رأی نداشتند؛ یعنی وقتی انتخاباتی در کشور برگزار می‌شد فقط مردانی که سن رأی داشتند پای صندوق‌های رأی می‌رفتند و در انتخابات شرکت می‌کردند. این قانون در سال ۱۳۴۱ و درست در زمانی که محمدرضا پهلوی می‌خواست تغییراتی در کشور بدهد تا به مردم بگوید که به فکر آن‌هاست، عوض شد. پهلوی دوم روی این موضوع که به زنان حق رأی داده است خیلی تبلیغ کرد و این کار را نشانه متمدن و آزاد بودن کشور دانست. درحالی که چه زن و چه مرد حق دارند که در سرنوشت کشورشان شرکت کنند و درواقع این فقط حقی بود که به زنان برگردانده شده بود، نه چیزی اضافه به حق آن‌ها. اما همین تبلیغات محمدرضا پهلوی هم باعث نشد همه زنان آن دوره واقعاً در انتخابات مشارکت کنند، چون این قانون فقط به نفع زنان طبقات بالای اجتماع تمام شد و این زنان توانستند تعدادی پست سیاسی بگیرند.

در دوران رضاشاه هیچ زنی به عنوان مدیر سیاسی انتخاب نشد، اما در دوران محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۴۲ یک زن به سمت معاونت آموزش و پرورش و در سال ۱۳۴۷، یک زن دیگر وزیر شد. زنان دیگری هم به صورت پراکنده سمت و منصب‌هایی گرفتند که بیشترشان هم همسران یا بستگان مردان سیاستمدار و ارتشی بودند. در جمهوری اسلامی آمار دقیقی از زنانی که سمت‌های سیاسی دارند در دسترس نیست، چون تعداد آنان زیاد است و سمت‌های مختلفی را در عرصه‌های دیگری مثل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در دست دارند. تا به حال در ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی بیشتر از هفتاد زن فقط نماینده بوده‌اند. بیشتر این افراد هم به خاطر شایستگی‌ها و تحصیلات خودشان به این سمت‌ها انتخاب شده‌اند، چون بعد از انقلاب زنان نیز مانند مردان می‌توانند برای سمت‌های سیاسی که در آن‌ها رأی‌گیری می‌شود ثبت‌نام و تبلیغ کنند و رأی به دست بیاورند.



اعضای کمیته استقبال

شاید ندانی چه کسانی جزو کمیته استقبال از امام خمینی (ره) بودند: «اعضای اصلی کمیته چهار نفر بودند: شامل شهید مطهری (رئیس کمیته) شهید مفتاح، شهید محلاتی از روحانیت مبارز و بنده (اسدالله بادامچیان) از طرف یاران مولفۀ اسلامی، ولی در مشورت با شهید بهشتی قرار شد در شورای مرکزی کمیته از سایر گروه‌های سیاسی نیز افرادی دعوت شوند که سیاست همه با هم اجرا شود و همه خود را در استقبال از امام سهم ببینند.»

یکی از مسائلی که پیش از ورود امام به ایران باید بررسی می‌شد، مکان حضور ایشان بود: «علاوه بر مدرسه رفاه، مدرسه علوی نیز که در نزدیکی رفاه قرار داشت انتخاب شد که برخلاف برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، بعد از ورود امام مکان استقرار امام شد.»

نیاز بود تا نیروهایی در چهار دسته در کمیته استقبال جذب شوند: دسته اول اعضای اصلی کمیته را تشکیل می‌دادند؛ دسته دوم اعضای ثابت بودند که محل فعالیتشان در مدرسه رفاه بود؛ دسته سوم آن‌هایی بودند که در طرح‌ها و برنامه‌های کمیته شرکت کرده بودند و دسته چهارم را نیز هواداران مردمی تشکیل می‌دادند. به این راحتی‌ها نمی‌شد کسی را به کمیته استقبال راه داد، امکان داشت از ساواکی‌ها و طرفداران رژیم پهلوی، کسی به کمیته استقبال راه پیدا کند: «سختگیری در جذب نیرو، امکان ورود عناصر نفوذی را به‌شدت کاهش می‌داد. بدین منظور مسئولان کمیته روال خاصی برای جذب نیرو به کار بردند؛ یعنی به این شکل که فقط افرادی را جذب می‌کردند که از طرف انقلابیون نام‌آشنا و اعضای فعال کمیته معرفی می‌شدند.»



انقلاب و تلاش برای آبادانی

آسیه سالم

انقلاب اسلامی، دستاوردهای فراوانی در داخل و خارج از کشور داشته و دارد و سال‌ها طول می‌کشد تا همه آثار و نتایج آن آشکار و تحلیل شود. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی در حوزه اقتصادی محرومیت‌زدایی از روستاها بوده است. در دوران طاغوت، خاندان پهلوی فقط و فقط به ثروتمندان و مقامات رده بالای حکومت توجه می‌کردند و همین که آن‌ها از خدمات و امکانات بهره‌مند بودند، برایش کافی بود. حال آن‌که در روستاها مردم از ابتدایی‌ترین امکانات بی‌بسیب بودند. در روستاها بهداشت و درمان، راه و جاده مناسب، برق و آب در وضعیت بسیار بدی به سر می‌برد و مرگومیر در کودکان روستایی به دلیل نبود امکانات زیاد بود. بسیاری از روستاییان مهاجرت به شهرها را انتخاب کرده بودند و آنان که بضاعت مالی و توانایی مهاجرت را نداشتند، مجبور بودند با همان شرایط تأسفبار ادامه دهند. آن‌ها هم که مهاجرت کرده بودند آن چنان وضع خوبی نداشتند و مجبور به حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ بودند که آن‌جا هم با مشقت زندگی می‌کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال تأکیدات بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر بسیج امکانات مادی و معنوی برای عمران و آبادانی روستاها، مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران درصدد از بین بردن فقر و محرومیت از چهار روستاهای کشور برآمدند تا امکانات رفاهی شهرها و روستاهای کشور را به یک سطح برسانند. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر کمک به روستاییان و آبادانی روستاها، «جهاد سازندگی» شکل گرفت که بعدها با وزارت کشاورزی ادغام و به وزارت جهاد کشاورزی تبدیل شد. در این نهاد جوانان متخصص و انقلابی در مناطق روستایی کشور حضور پیدا کرده و به ارائه خدمات زیربنایی نظیر آب‌رسانی، راه‌سازی، برق‌رسانی و... در روستاها پرداختند.

برخوردار شدن روستاها از امکانات برقراری ارتباط مخابراتی، بهره‌مندی از امکانات بهداشتی و ارتقای تعلیم و آموزش روستاییان نیز بخشی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است که روزبه‌روز در حال افزایش است. در حال حاضر کشاورزی علمی در روستاها رونق گرفته و نظام رعیت و اربابی از میان رفته است و بسیاری از محصولات صادراتی از دل همین روستاها انجام می‌شود. جوانان روستایی هم مانند دیگر جوانان می‌توانند به مدارج بالای علمی دست یابند و به عمران و آبادانی بیشتر روستایشان کمک کنند.



تشکیل کمیته استقبال

همه‌چیز درباره بازگشت امام خمینی (ره) و استقبال از او بود. محافظت از امام نیز بخشی از ماجرا را تشکیل می‌داد، موضوعی که برای خود ایشان اهمیت چندانی نداشت: «امام خمینی از خطراتی که بارانش اشاره می‌کردند، آگاه بود. این امر به‌خوبی در بیانیه ایشان برای ورود به کشور کاملاً پیداست. ایشان در آن بیانیه اعلام کردند که «من به‌زودی نزد شما برمی‌گردم تا در کنار شما مبارزه کنم، اگر کشته شدم به سعادت شهادت نائل می‌شوم و اگر هم پیروز شدم با هم به راهمان ادامه می‌دهیم.»

آمدن امام قطعی بود، پس باید کمیته استقبال تشکیل می‌شد: «از آن‌جایی که احزاب قوی و تشکیلات منظم و آموزش‌های لازم که بتواند در برابر رژیم خودنمایی کند وجود نداشت، ما از هر محملی برای ایجاد این تشکیلات استفاده می‌کردیم. یکی از این محمل‌ها هم ایجاد کمیته استقبال بود، زیرا این کار هم نمایش قدرت طرفداران رهبری به مخالفان رژیم بود و هم این‌که برای استقبال از امام برنامه‌ریزی می‌شد.» (هاشم صباغیان) با همه این تفاسیر، کمیته استقبال از امام خمینی، ۱۳۵۷ تشکیل شد: «از منزل شهید مطهری تلفن کردیم به مرحوم شهید بهشتی که بیاند آن‌جا. گفتند که بعضی از دوستان این‌جا هستند و دارند مذاکره می‌کنند... برای این‌که هماهنگ کنیم، به اتفاق مرحوم مطهری رفتم منزل شهید بهشتی و بقیه افراد جامعه روحانیت مبارز را هم خبر کردیم... پس از ارائه نظرات شورای مرکزی، کمیته استقبال تشکیل شد.» (حجت‌الاسلام محلاتی)



منزلت زن قبل و بعد از انقلاب اسلامی

ستاد انقلاب

همان‌طور که در قسمت اول گزارش‌های «دستاوردهای انقلاب» گفتیم، بعد از انقلاب به دستور امام خمینی (ره) نهضت سوادآموزی تشکیل شد. خدمات رایگان نهضت سوادآموزی برای همه مردم بود و فرقی بین زن و مرد وجود نداشت. به همین خاطر نرخ باسوادی زنان از ۳۵ درصد قبل از انقلاب به ۸۹ درصد بعد از پیروزی انقلاب رسیده‌است



فعال اجتماعی

علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، زنان در جمهوری اسلامی فعالیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی هم انجام می‌دهند. بسیاری از زنان یا در این حوزه‌ها مسئولیت دارند یا به صورت غیررسمی فعالیت اجتماعی - فرهنگی انجام می‌دهند. در اسلام یکی از کارهای اساسی زن، رسیدگی به خانه، همسر و فرزندان است. کاری که هیچ شخص دیگری به جز زن از عهده سختی‌های آن برنمی‌آید، اما انجام این فعالیت‌ها به این معنی نیست که زن نمی‌تواند فعالیت‌های دیگری هم داشته باشد. در فرهنگ غرب هم زن ویژگی‌های آزادانه زیادی دارد، اما به این خاطر که در همه زمینه‌ها حتی فعالیت اجتماعی و شغلی باید مثل مردان رفتار کند، در واقع احترام و عزت خود به عنوان یک زن را از دست داده است؛ مثل وضعیتی که زنان در دوران قبل از انقلاب داشتند و اسم آن را آزادی گذاشته بودند.



سوادآموزی زنان

اولین سازمانی که در ایران برای سوادآموزی اقدام کرد نامش «اکابر» بود. اکابر در سال ۱۳۱۵ و در زمان رضاشاه طبق قانون موظف شد در مدارس برای بزرگسالان کلاس شبانه‌روزی سوادآموزی برگزار کند. این کلاس‌ها تا سال ۱۳۲۰ و تبعید رضاشاه ادامه داشت، اما در طول این سال‌ها هم فقط مردان حق داشتند در اکابر شرکت کنند و هم‌چنان برای سوادآموزی زنان برنامه‌ای وجود نداشت! بعد از اکابر هم فعالیت‌های پراکنده دیگری برای آموزش زنان برگزار شد، اما همه یا نیمه‌کاره رها شدند یا نتوانستند همه جمعیت زنان یا حتی همه بی‌سوادان کشور را پوشش بدهند. همان‌طور که در قسمت اول گزارش‌های «دستاوردهای انقلاب» گفتیم، بعد از انقلاب به دستور امام خمینی(ره) نهضت سوادآموزی تشکیل شد. خدمات رایگان نهضت سوادآموزی برای همه مردم بود و فرقی بین زن و مرد وجود نداشت. به همین خاطر نرخ باسوادی زنان از ۳۵ درصد قبل از انقلاب به ۸۹ درصد بعد از پیروزی انقلاب رسیده است. حالا بیش از نیمی از زنان ما یعنی ۶۰درصد به دانشگاه‌ها می‌روند. قبل از انقلاب ۸۳درصد زنان روستایی بی‌سواد بوده‌اند، ولی بعد از انقلاب و در سال ۱۳۵۷ این آمار به ۲۸درصد کاهش پیدا کرد. در حال حاضر ۶۵۰۰ زن هم به عنوان هیئت علمی در دانشگاه‌ها مشغول تدریس هستند.



زن عزتمند و مؤثر

بعد از وقوع انقلاب مثل همه موضوعات دیگر، حکومت دینی جمهوری اسلامی، نوع جدیدی از فعالیت و حضور زنان در اجتماع را به دنیا نشان داد. در این سبک زنان هم می‌توانند خانواده خود را اداره کنند، هم در انواع فعالیت‌های بیرون از خانه حضور داشته باشند؛ یعنی حکومت برای هیچ کدام از این فعالیت‌ها، محدودیتی نگذاشته است و حتی موظف است شرایطی را فراهم کند تا زنان علاقه‌مند بتوانند هم فعالیت بیرون از خانه داشته باشند و هم به امور خانه برسند. در این سبک نمی‌توان زن را به فعالیتی که دوست ندارد مجبور کرد و مثل فرهنگ غرب نمی‌توان او را وادار کرد که همپای مردان کار کند و درآمد داشته باشد بلکه در هر صورت مسئول تأمین درآمد مردها هستند و زن می‌تواند با حفظ احترام و شأن خودش فعالیت‌های مورد علاقه‌اش را انجام دهد. آیا در فرهنگ و دین دیگری این احترام به زن‌ها را دیده‌اید؟

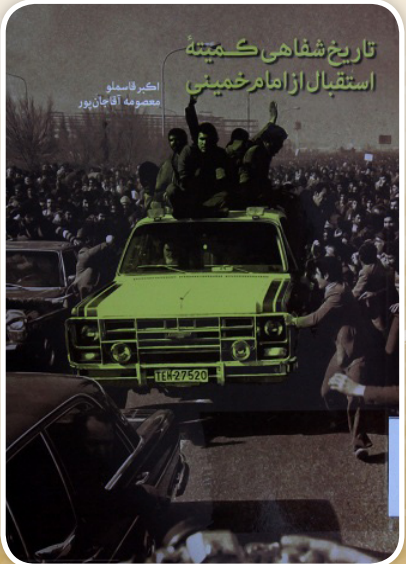
فاهی کمیته استقبال از امام خمینی(ره)»

تسرین سال تاریخ

سال‌ها می‌خواست به ایران باز گردد. باید همه چیز را بین دلیل هم کمیته‌ای به اسم «کمیته استقبال از امام یخ شفاهی کمیته استقبال از امام خمینی(ره)»، درباره‌های این کمیته است.

حفاظت از امام

گیتی داشتند، بنابراین لازم بود که آموزش‌هایی را دریافت کنند. این آموزش‌ها با اعضای گروه ست و عراقی برای آموزش گروه حفاظت، خانه‌هایی را در اختیار ما قرار داده بودند. فکر می‌کنم این ن‌ها بود که برای این منظور خالی کرده، در اختیار ما قرار داده بودند چرا که وسایل آن منازل خانواده‌هایی بوده است. ما شب‌هنگام با چند دستگاه مینی‌بوس و اتوبوس بچه‌ها را که عموماً از شهر به آن‌ها آموزش می‌دادیم.» (اکبر براتی)
خوب است بدانی که کمیته استقبال از ۱۰ واحد تشکیل ارکات»، «برنامه‌ریزی و تشریفات»، «برنامه‌ریزی داخلی و انتظامات داخل کمیته استقبال از امام»، «درپ ورود و زیرمجموعه‌های آن»، «شهرستان‌ها» و «خبرنگاران داخلی و خارجی». واحد انتظامات، امام(ره) را برعهده داشت، باید همه مسائل را مد نظر قرار می‌دادند. یکی از مکان‌هایی که باید گاه بود، «قبل از ورود امام... سعی کردم آن‌چه را که از نظر حفاظتی بر عهده ما گذاشته بودند برای ن راه‌های مخفی و زیرزمینی فرودگاه، مواظبت از اطراف باند فرودگاه و کنترل سالن اجتماع از جمله می‌کرد. بعد از اطمینان از مطلوب بودن اوضاع و احوال برای این که بهتر بتوانم باند فرودگاه را به باند فرودگاه رفتم و از آن‌جا اطراف را زیر نظر گرفتم...» (اکبر براتی از اعضای واحد حفاظت)



تاریخ شفاهی کمیته استقبال از امام خمینی(ره) / اکبر قاسملو - معصومه آقاجان پور / مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ۱۳۹۳ / مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص

فکر کردیم که چه کار کنیم . ما از همین کمیته استقبال که همین تقریباً یک کاغذهای کوچک بود یک نظر را پیدا کردیم که در دوستانمان گفتیم بیا یک حکم نوشتیم که آقای سبجانی مأموریت دادند که برویم مسجد سادات (اخوی) را واقع در خیابان ایران که تازه بازسازی شده بود، تحویل بگیریم و آماده کنیم، برای این که دستگیرشدگان را به آن‌جا بیاورند. یکی از بچه‌های نیروی هوایی هم که با اسلحه آشنایی کامل داشت همراه ما بود.»

مکانی برای دستگیرشدگان

خودرویی که قرار بود امام خمینی(ره) با آن از فرودگاه به بهشت زهرا(س) برود هم باید امنیت لازم را می‌داشت، «برای انتقال امام از فرودگاه به داخل شهر به دنبال تهیه ماشین بودیم. یکی از برادرانمان به نام حاج علی مجمع‌الصنائع، بلیزی داشتند که آن را برای این کار انتخاب کردیم. سپس به کارخانه شیشه‌سازی میرال فشار آوردیم تا شیشه‌های عقب و دو طرف این ماشین را ضدگلوله کنند. بدنه‌های ماشین را هم، به‌خصوص قسمتی را که قرار بود امام بنشینند، فولاد کار گذاشته بودیم.» (رفیق‌دوست)

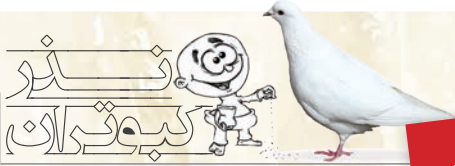
اعضای این کمیته، وظایف متعددی بر عهده داشتند. برنامه‌ریزی برای استقرار عوامل رژیم پهلوی که دستگیر شده بودند هم بخشی از این وظایف به شمار می‌رفت، «روز ۲۳ بهمن به من و آقای سبجانی مأموریت دادند که برویم مسجد سادات (اخوی) را واقع در خیابان ایران که تازه بازسازی شده بود، تحویل بگیریم و آماده کنیم، برای این که دستگیرشدگان را به آن‌جا بیاورند. یکی از بچه‌های نیروی هوایی هم که با اسلحه آشنایی کامل داشت همراه ما بود.»

انحلال کمیته

اعضای این کمیته در شرایطی که نه ارتشی وجود داشت، نه سپاه، نه نیروی انتظامی، برای برقراری امنیت همه تلاش خود را به کار می‌بردند، «فکر کردیم که چه کار کنیم، ما از همین کمیته استقبال که همین تقریباً یک کاغذهای کوچکی بود یک نفر را پیدا کردیم که از دوستانمان گفتیم بیا یک حکم نوشتیم که آقای فلائی آقای خوانساری شما باید امنیت غرب تهران را برقرار کنید. پنجاه، شصت قبضه ژ-۳ به او دادیم گفتیم برو و غرب تهران و شمال و جنوب...» (جواد مقصودی)
کمیته استقبال از امام خمینی(ره) برای استقبال از بازگشت امام تشکیل شد و باید با تمام شدن مراسم متحل می‌شد. در نهایت هم این اتفاق رخ داد، «بعد از ۲۲ بهمن می‌رسیم به این که گفتیم حضرت امام (ره) تصمیم گرفتند به قم تشریف ببرند و کمیته استقبال به کمیته انقلاب اسلامی تغییر نام پیدا کرد و حضرت آیت‌الله مهدوی کنی به عنوان مسئول کمیته انقلاب اسلامی از سوی امام (ره) برگزیده شدند و کمیته مقرر خودش را از مدرسه رفاه و مدرسه علوی به ساختمان مجلس شورای اسلامی منتقل کرد...» (مهدی چمران)

تو سفره را برای همه پهن می کنی
در مهربانی تو همین کارها بس است
ما را بیهشت هم نبر... اما قبول کن
لبخند تو برای گنه کارها بس است

خیلی گناه می کنم و توبه می کنم...
دیگر بس است، این همه تکرارها بس است
این بار بخیر... که دگر راحتم کنی...
بیهوده رفتن سر بازارها بس است...



ویژه نامه دهه انقلاب
برای نسل چهارمی ها

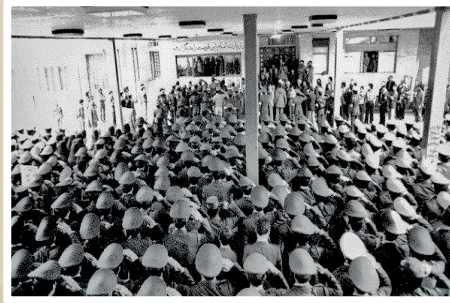
پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۶
۲۱ جمادی الاول ۱۴۳۹
online.ir



محمد عکاف | چرا برای حسین (ع) روزه خوانی می کنیم؟ این پرسش یک پاسخ عقلانی دارد و یک پاسخ احساسی. پاسخ عقلانی روزه خوانی برای سیدالشهدا (ع) عظمت واقعه عاشورا و مصائبی است که برای اهل بیت پیامبر رخ داد. ما برای امام حسین (ع) روزه می خوانیم تا با زبان سوگوارانه مان عمق ظلمی که بر سیدالشهدا، خاندان و اصحابش در روز عاشورا گذشت را بیان کنیم. زبان روزه، زبان حال امامی است که یک تنه در برابر ظلم یزید ایستاد و تن به تسلیم نداد. روزه برخلاف آنچه جماعت روشنفکر تلاش می کنند به نسل نوجوان و جوان تلقین کنند، نشانه ضعف ما نیست، بلکه زبان روزه، زبان حماسه است. حماسه ای که همچنان تاریخ بشریت را بعد از هزار و چند صد سال در گیر و متعجب خود ساخته است. روزه هم زمانی اشک و حماسه، همخوانی سوگواری و افتخار است. همان طور که عاشورا صحنه رشادت مردان و زنانی است که تاریخ به خود ندیده است اما صفاتی دارد که هیچ قلبی تاب و تحمل تماشايش را ندارد. اما در کنار پاسخ عقلانی به اینکه ما چرا برای حضرت سیدالشهدا روزه می خوانیم یک پاسخ احساسی هم دارد که آن را باید در قلب شیعیان علی (ع) جست و جو کرد. ما روزه حسین (ع) را برای خشنودی قبل مادرشان می خوانیم. نه اینکه ذکر مصیبت دیگر اهل بیت، صدیقه طاهره (س) را خشنود نکند. اما هنگامی که پیامبر خدا (ص) عزم رحیل کرد و به دیار معبود شتافت، علی (ع) و فاطمه (س) و فرزندان و اصحاب در کنار وجود مقدس پیامبر حاضر بودند. زمانی که صدیقه طاهره به ملکوت رفتند، علی (ع) و فرزندان در کنار پسر فاطمه (س) حضور داشتند. زمانی که امیر مؤمنان عروج کرد امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، بانو زینب کبری و فرزندان علی (ع) بر بالین پدر بودند، زمانی که امام حسن (ع) به شهادت رسید امام حسین (ع)، زینب کبری (س) و ابوالفضل عباس (ع) سر برادر را به دامن داشتند اما زمانی که حسین در گودال قتلگاه با پیکر چاک چاک به سوی معبود می شتافت، چنان انبوه دشمنان او را محاصره کرده بودند، که خواهر مجالی برای نزدیک شدن نداشت، زینب کبری تنها بر بلندای قتلگاه برادری را نظاره می کرد که بر دریای خون دست و پا می زد.

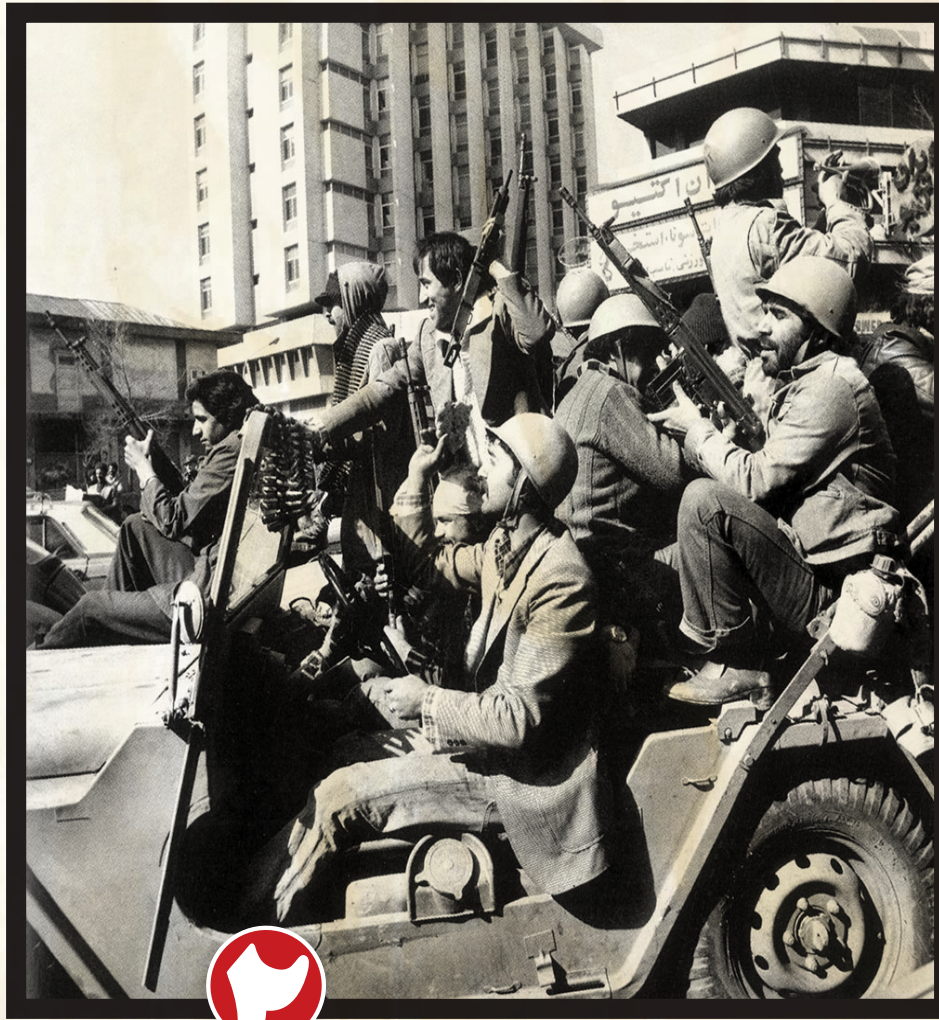
سلام بانو! (۷)

روضه فاطمه (س)
روضه حسین (ع) است



تقویم را ورق بزن
۱۹ بهمن ۱۳۵۷

همه روزهای دهه فجر پیروزی انقلاب مهم هستند، اما یکی از مهمترین روزهای انقلاب حضور همافران و کارکنان نیروی هوایی در مدرسه علوی و بیعت با امام خمینی (ره) در روز ۱۹ بهمن است. عکس این دیدار در همه روزنامه های فردای آن روز به چاپ رسید؛ بیعتی که بسیار باشکوه انجام شد. در این زمینه حجت الاسلام «سید محمود دعایی»، سرپرست روزنامه «اطلاعات» خاطره ای زیبا دارد. او می گوید: «زیباترین منظره ای که در خاطرم است، مراجعه برادران همافر بود. می توان گفت پیوند ارتش با انقلاب را آن ها شکل دادند. سازماندهی این امر بر عهده شهید مفتاح بود. وی قبلاً با کارکنان نیروی هوایی هماهنگ کرده و قرار گذاشته بود که آنها با لباس فرم در برابر حضرت امام رژه بپروند و به این ترتیب اعلام همبستگی کنند. صبح آن روز شهید رجایی که یکی از مسئولان دلسوز مدرسه رفاه بود، آنجا حضور داشت. همافران برای انجام رژه به تجهیزاتی نیاز داشتند که شهید رجایی با بزرگواری و صمیمیت اعلام کردند که آماده اند تا نیازهای همافران را برآورده کنند. همافران به چند چیز نیاز داشتند، یکی محیط مناسبی که جمع شوند و صف آرایی کنند؛ دوم، وسیله صوتی مناسبی که بتوانند با آن خود را در آن مسیر شلوغ هماهنگ کنند و سوم کسی که بتواند با همکاری مسئول انتظامات، مسیر مناسبی را از مدرسه رفاه تا محل اقامت حضرت امام که در مدرسه علوی بود فراهم کند. همه این وسایل باید فراهم می شد تا همافران بتوانند رژه ای هماهنگ و مناسب را انجام دهند.» پس از فراهم شدن امکانات، نزد امام رفتم تا ایشان هم آماده شوند. آن روز امام به دلیل خستگی ناشی از پذیرایی مستمر از مردم تب داشتند. با شرمندگی به امام گفتم: «برادران نیروی هوایی از قبل وقت گرفته اند و امروز می خواهند به شما بپیوندند و اجازه می خواهند که شما از آنان سان ببینید.» امام با لبخند زیبا و فروتنی خاصی موافقت شان را اعلام و با همافران دیدار کردند. بعد از آنکه مراسم تمام شد، همافران تحت تاثیر شور و هیجانی که داشتند با همان لباس و صف های منظم به مردم پیوستند و حمایت خود را اعلام کردند.



راه پیمائی میلیونها ایرانی امروز تاریخ ساخت

لیبی دولت بازرگان
رابرسمیت شناخت

شاه
دردادگستری
محاکمه میشود

آغاز مذاکرات
بازرگان و ارتش

بخشنامه
و بازرگان میتوانیم
توافق کنیم

تکذیب
کودتاعلیه
بخشنامه

خروج مرموز
شریف امامی
از ایران

طرح برگزاری رفراندوم
و انتخابات ملی

زاهدی
سرانجام
شکست
خورد



لبیک به خواست امام

شور انقلابی در جامعه

به تیر روزنامه ها که نگاه می کنیم، می بینم که تیر روزنامه هر روز شور و شوقی را در جامعه نشان می دهد. که تا پیش از این کسی در جامعه ایران سراغ نداشته است. روزنامه های پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ را که مرور می کنم با تیرهایی مواجه می شوم که نشان می دهد ضربان انقلاب را بیش از گذشته می توان شنید. با هم تیرهای مهم روزنامه های امروز را مرور می کنیم: «راهپیمایی میلیون ها ایرانی، امروز تاریخ ساخت»، «مردم به بازرگان رأی اعتماد دادند»، «لیبی دولت بازرگان را به رسمیت شناخت»، «شاه در دادگستری محاکمه می شود»، «آغاز مذاکره بازرگان و ارتش»، «خروج مرموز شریف امامی از ایران»، «طرح برگزاری رفراندوم و انتخابات ملی»، «زاهدی سرانجام شکست خورد».

راهپیمایی امروز همانند
راهپیمایی های ارابه های
تاسوعا، عاشورا و اربعین از
منطقه آغاز شد و ت میدان
آزادی ادامه یافت



۱۹ بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه ها چه گذشت؟
ضربان انقلاب شنیده می شود

همافران در منزل امام خمینی

امروز صبح گروه کثیری از همافران و پرسنل نیروی هوایی با لباس شخصی به منزل امام خمینی آمدند و درحالی که کارت های شناسایی خود را به همافران و پرسنل نیروی هوایی نشان دادند، به سمت یکی از مسیرهای راهپیمایی حرکت کردند. صبح امروز خیابان ایران آرامترین روز خود را از هنگام بازگشت امام خمینی گذراند. بغیر از جندت از مأموران کمیته انتظامی و بعضی از اعضای کمیته استقبال از امام شخص دیگری در آنجا دیده نشد. نزدیکان امام و حتی فرزندان حاج آقا احمد و نوه ها و عروشان به صفوف مردم در راهپیمایی پیوسته بودند.

از خبرهای مهمی که در روزنامه های ۱۹ بهمن توجه را جلب کرد، حضور همافران در خانه امام بود. در این خبر آمده بود: «امروز صبح گروه کثیری از همافران و پرسنل نیروی هوایی با لباس شخصی، به منزل امام خمینی آمدند و در حالی که کارت های شناسایی خود را در دست داشتند، همبستگی خود را با انقلاب، ملت ایران به رهبری امام خمینی اعلام کردند. و سپس به سمت یکی از مسیرهای راهپیمایی حرکت کردند. صبح امروز خیابان ایران آرام ترین روز خود را از بازگشت امام خمینی گذراند. به غیر از چند تن از مأموران کمیته انتظامی و بعضی از اعضای کمیته استقبال از امام، شخص دیگری در آنجا دیده نمی شد. نزدیکان امام و حتی فرزندان حاج آقا احمد و نوه ها و عروشان به صفوف مردم در راهپیمایی پیوسته بودند.»

تهران یکبار هم شور

در ادامه گزارش خبرنگاران از راهپیمایی امروز می خوانیم: «راهپیمایی امروز همانند راهپیمایی های روزهای تاسوعا، عاشورا و اربعین از ۹ منطقه آغاز شد و تا میدان آزادی ادامه یافت. گزارش های خبرنگاران سیار ما حاکی است که راهپیمایی امروز توأم با نظم بود و در میان شعارها، شعارهای تازه ای به گوش می رسید که بعضی از آنها نیز روی پلاکاردها نوشته شده بود. به دلیل راهپیمایی امروز از ترافیک سنگین دیروز خبری نبود و در خیابان هایی که مسیر حرکت راهپیمایان نبود اتومبیل های معدودی در رفت و آمد بودند. اولین گزارش خبرنگار ما از میدان شهناز بود. در این میدان گروه های مختلفی از مردم در دسته های چند صد نفری از خیابان های شهناز، نیروی هوایی، فرح آباد، میدان خراسان، نارمک، پدر ثانی، نظام آباد و سایر خیابان های اطراف به یکدیگر ملحق شدند و سپس با دادن شعار به سوی میدان آزادی حرکت کردند...»